

و کلمه جسم گردید و میان ما ساکن شد، ... انجیل یوحنا ۱: ۱۴



یوحنا انجیل خود را با استفاده از واژه لوگوس و یا همان شرح، دلیل و منبع آفرینش که در فارسی «کلمه» ترجمه شده است آغاز می‌کند. او بلافاصله پس از اینکه در آیه ۱ حس کنجکاوی مخاطبانش را برانگیخت، به سراغ معرفی لوگوس و آنچه به واسطه او محقق شده است می‌رود و از آیه‌های ۲ تا ۱۳ دربار برخی از صفات و خصوصیات او صحبت می‌کند.

یوحنا در این آیات با هر گام خود، شوک بیشتری را به خواننده وارد می‌کند و به دنبال این است تا ذهن مخاطبانش را برای درک و شناخت خداوند آماده سازد. او بدین ترتیب در آیه ۱۴ با هدایت روح القدس بخش دیگری از اسرار خداوند را برای مخاطبانش نمایان می‌سازد. یوحنا در این آیه به دنبال این است که با توجه به آنچه در ۱۲ آیه گذشته درباره عظمت و اهمیت لوگوس توصیف کرده است، غیر قابل دسترسی و همچنین دور بودن او را از ذهن مخاطبان خود خارج کند.

آیه ۱۴ با حرف ربط «و» آغاز شده است در صورتی که هیچ رابطه خاصی بین این آیه و آیه قبل از آن وجود ندارد. یوحنا با قرار دادن حرف ربط در آیه ۱۴، به دنبال اتصال آن به آیه ۱ است و تمام آیات موجود در بین این دو آیه، تنها برای درک بهتر اهمیت و خاص بودن جایگاه لوگوس به عنوان خدای حقیقی نسبت به دیگر خدایان نوشته شده است. یوحنا با این کار در آیه ۱ توجه فیلسوفان یونانی را به سوی خود جلب می‌کند. او در آیه ۱۴ نیز توجه یهودیان را به خود جلب می‌کند. یوحنا می‌کوشد تا بدین طریق، عیسای مسیح را به یهودیان که وعده آمدنش را در عهد عتیق شنیده بودند و انتظار آمدنش را می‌کشیدند، بشناساند و از چگونگی تحقق آن وعده سخن بگوید. او همچنین در تلاش است تا به سوالات فیلسوفان یونانی درباره دلیل و منبع آفرینش هستی پاسخ بدهد. او در آیه ۱ می‌گوید دلیل یا منبع آفرینش که شما به دنبال درکش هستید، در ابتدا وجود داشته و همه چیز به واسطه‌ی او آفریده شده است. آن دلیل و منبع که همان خداوند است، اکنون انسان گردیده و در میان انسانها ساکن شده است.

چرا دانستن این موضوع توسط انسانها برای خداوند حائز اهمیت است؟

برای یافتن جواب این سوال باید نگاهی به عهد قدیم بیندازیم. در کتاب پیدایش می‌توان دید که قبل از سریچی انسان و وقوع گناه توسط آدم و حوا، خداوند در کنار آنها حضور داشت و ارتباط بسیار نزدیکی در میانشان برقرار بود. در واقع هدف اصلی خداوند از آفرینش هستی و خلقت انسان این بود که انسان با خداوند رابطه برقرار کرده، در کنارش زندگی کند. اما پس از ورود گناه، این رابطه شکسته شد و انسان به خاطر گناه‌آلود شدن ذاتش، از ادامه‌ی زندگی در حضور خداوند قدوس منع گردید. خداوند هرگز اجازه نمی‌دهد که خواست و اراده‌اش به خاطر گناه انسان از بین برود و به انجام نرسد بلکه آن را به گونه‌ای دیگر به انجام می‌رساند.

خداوند چگونه هدف خود را که به خاطر ناطاعتی انسانها از بین رفته است به انجام می‌رساند؟



آیا در عهد قدیم نشانه‌هایی از چگونگی انجام نقشه‌ی خداوند برای بازسازی این رابطه و زندگی دوباره انسان در حضور او وجود دارد؟